

## The Religious Evidences in the Thought of Maqām-i Mo‘azzam al-Ruhbarī on Population Multiplication and Its Impact on the Authority of the Islamic System

Abolfazl Esmacili Jamkarani<sup>1</sup>, Morteza Gharsban<sup>2</sup> 

<sup>1</sup> Professor, Department of Education, Imam Hussein University, Tehran, Iran (Corresponding author).  
salam.br.fateme@gmail.com

<sup>2</sup> PhD. Student, Lecturer in Islamic Studies, Faculty of Theology and Religions, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. mgh1534@gmail.com

### Abstract

The issue of population, its reproduction, and its growth has been among the most important recommendations of Maqām-i Mo‘azzam al-Ruhbarī in recent years. In connection with the necessity of increasing the population, he refers to verse 60 of Sūrat al-Anfāl, in which God (Allāh) states: «وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (transliteration: *wa a‘iddū lahum mā istaṭa‘tum min quwwatin*). Accordingly, the present study aims to examine and analyze the religious evidences in the thought of the Leader of the Revolution regarding population multiplication and its impact on the authority of the Islamic system. By employing various analytical methods, the term “quwwa” in the aforementioned verse may be understood as one of its most significant manifestations—namely, human resources and population growth. The research method is descriptive-analytical, and the findings indicate that human resources, considered from the perspectives of subject, means, and end, can serve as a determining factor in the authority of the Islamic system. In this regard, an active and youthful population within the Islamic system is regarded as a decisive advantage and opportunity in the power dynamics. Evidently, a nation that possesses a larger population, a greater territorial expanse, and a more capable state with coherent national governance is, from this perspective, more powerful. To achieve population growth, it is first necessary to establish cultural readiness—a requirement that itself is among God’s commands, who has stated that one should prepare oneself in various dimensions, including culturally. The expression used in the aforementioned verse, in its broad sense, connotes extensive preparedness encompassing all dimensions of readiness; with such cultural empowerment, the process of augmenting strength and human resources becomes more readily attainable.

**Keywords:** Maqām-i Mo‘azzam al-Ruhbarī, population, national authority, marriage, family.

Received: 2024-03-26 ; Received in revised form: 2024-05-02 ; Accepted: 2024-06-13 ; Published online: 2024-06-22  
<https://doi.org/10.22034/sm.2025.2017871.2166>

© the authors

<http://sm.psas.ir>

Article type: Research Article

Publisher: Political Studies Association of the Seminary



## مستندات دینی اندیشه مقام معظم رهبری در کثرت جمعیت و تأثیر آن بر اقتدار نظام اسلامی

مرتضی غرسبان<sup>۱</sup>، ابوالفضل اسماعیلی جمکرانی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری، مدرسی معارف اسلامی، دانشکده الهیات و ادیان، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، و عضو انجمن مطالعات سیاسی حوزه، قم، ایران. mgh1534@gmail.com

<sup>۲</sup> سطح چهار حوزه علمیه، مربی گروه معارف، دانشگاه امام حسین(ع)، تهران، ایران (نویسنده مسئول).  
salam br fateme@gmail.com

### چکیده

مسأله جمعیت، تکثیر نسل و ازدیاد آن از جمله مهم‌ترین توصیه‌های رهبر معظم انقلاب در چند سال اخیر بوده است. ایشان در رابطه با ضرورت افزایش جمعیت به آیه ۶۰ سوره انفال که خداوند می‌فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» اشاره می‌نماید. لذا، تحقیق حاضر درصدد بررسی و تحلیل مستندات دینی اندیشه رهبر انقلاب در کثرت جمعیت و تأثیر آن بر اقتدار نظام می‌باشد. با روش‌های مختلف می‌توان از عبارت «قوه» در آیه فوق، یکی از مهم‌ترین مصادیق آن را نیروی انسانی و کثرت نسل دانست. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که، نیروی انسانی، از سه حیث موضوعی، ابزاری و غایی، می‌تواند عامل اقتدار نظام اسلامی به‌شمار آید. به گونه‌ای که جمعیت فعال و جوان در نظام اسلامی، به عنوان یک امتیاز و فرصت تعیین‌کننده در معادلات قدرت محسوب می‌گردد. بدیهی است ملتی که جمعیت بیشتر، قلمرو بزرگ‌تر، دولت توانمندتر با حاکمیت ملی منسجم‌تر داشته باشد، از این منظر قدرتمندتر است. برای تحقق افزایش جمعیت ابتدا لازم است در زمینه فرهنگی آمادگی ایجاد شود که این موضوع خود نیز یکی از دستورات خداوند است که فرمود خود را از از جهات متعدد از جمله جهت فرهنگی آماده کنید؛ زیرا تعبیر به‌کار رفته در آیه مذکور از حیث عموم، گستردگی خاصی دارد و همه سویه‌های مهیا بودن را دربرمی‌گیرد و با تجهیز فرهنگی، حرکت در عرصه افزایش قوا و نیروی انسانی آسان‌تر محقق می‌شود.

واژه‌های کلیدی: مقام معظم رهبری، جمعیت، اقتدار ملی، ازدواج، خانواده.

استاد به این مقاله: اسماعیلی جمکرانی، ابوالفضل؛ غرسبان، مرتضی (۱۴۰۳). مستندات دینی اندیشه مقام معظم رهبری در کثرت جمعیت و تأثیر آن بر

اقتدار نظام اسلامی. *سیاست متعالیه*، ۱۲(۲): ۷۳-۹۰. <https://doi.org/10.22034/sm.2025.2017871.2166>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۰۷؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۲/۱۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۴؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۴/۰۲

© the authors

<http://sm.psas.ir>

نوع مقاله: پژوهشی

ناشر: انجمن مطالعات سیاسی حوزه



## ۱. مقدمه

شاخص جمعیت یکی از معادلات اصلی هر کشور برای بقای فرهنگ و تمدن است. از دیدگاه جهانی یکی از مشخصه‌های توسعه در هر کشور، رشد جمعیت و حرکت به سمت جامعه‌ای جوان است. اهمیت این نکته از آن جهت است که جمعیت و کثرت آن به‌عنوان عاملی مؤثر در شکل‌دهی قدرت و حوزه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، امنیتی و اقتصادی مطرح است. پویندگی، نشاط، بالندگی، ابتکار، خلاقیت و جوانی جمعیت کشور فرصت و امتیازی است که همه کشورهای باید درصدد ایجاد آن باشند. رهبر انقلاب نیز در سال‌های اخیر به این مسئله توجه ویژه نموده و با اشاره به مسئله کثرت جمعیت، با تکیه بر تلاش قوای سه‌گانه، دستگاه‌ها و نهادهای مرتبط بر این موضوع تأکید نموده است. در این خصوص از یک سو با نگاهی به آیات و روایات می‌توان به ادله دینی اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای در این مسئله و از سوی دیگر به تأثیر کثرت جمعیت در اقتدار نظام اسلامی پرداخت. در این راستا، پژوهش حاضر درصدد پاسخ‌گویی به این سؤال اساسی است که ادله دینی اندیشه رهبر انقلاب در حوزه کثرت جمعیت چیست؟ و این مقوله چه تأثیری بر اقتدار نظام اسلامی دارد؟ با بررسی‌های انجام شده تحقیق مستقلی از این منظر که مستندات دینی اندیشه رهبری در کثرت جمعیت و تأثیر آن بر اقتدار نظام اسلامی را به‌طور دقیق بررسی نموده باشد، یافت نشد.

## ۲. فرضیه تحقیق

رسالت این تحقیق از یک سو مستندسازی دینی اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای در حوزه مسئله کثرت جمعیت و از سوی دیگر بررسی تأثیر کثرت جمعیت بر اقتدار نظام سیاسی است. در پاسخ فرضی به سؤال تحقیق باید گفت که باتوجه به اینکه رهبر نظام اسلامی به دنبال اجرای کامل احکام و دستورات اسلامی است، بی‌شک اندیشه، توصیه‌ها و دستورات ایشان برگرفته از منابع دینی بوده و می‌توان با مراجعه به آیات و روایات به آن‌ها دست یافت. همچنین با توجه به ابعاد مختلف تأثیرگذار بر اقتدار ملی می‌توان نیروی انسانی و مسئله جمعیت را مقوله مهمی در تحقق و ارتقا اقتدار نظام اسلامی قلمداد نمود.

## ۳. اهمیت رشد جمعیت و آفات پیری جمعیت

مقوله جمعیت یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های اقتدار ملی در هر کشور است که نیل به اهداف مهم ملی و نقش‌آفرینی در مناسبات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و امنیتی جهان امروز، بدون توجه به این مؤلفه ممکن نیست. در واقع هرچه کشورها از نظر فناوری رشد کنند، باز هم به نیروی انسانی کارآمد و ایده‌پرداز نیاز دارند، چراکه هیچ ماشین و هیچ‌گونه تکنولوژی جای انسان خوشفکر، تازه‌نفس و ایده‌پرداز را نمی‌گیرد. در بسیاری از

کشورها مثل چین و برخی کشورهای غربی، به واسطه هماهنگی در شئون مختلف اجتماعی، جمعیت زیاد به یک عامل توسعه تبدیل شده و به این واسطه جهان را در ابعاد گوناگون زیرسلطه خود درآورده و موفقیت‌های بسیاری به دست آورده‌اند. در ایران نیز جوانان موتور محرکه کشور به حساب می‌آیند که با بهره‌گیری از ظرفیت افراد باتجربه می‌توانند گره‌های کور را بگشایند. جمعیت (از نظر ساخت، ترکیب و توزیع) یکی از مؤلفه‌ها و استحکام‌دهنده‌های ساخت درونی قدرت و اقتدار ملی هر کشور و همچنین عاملی مؤثر در شکل‌دهی قدرت نظامی و اقتصادی آن‌هاست. امروزه بحث جمعیت، جامع‌تر و فراتر از چهارچوب سنتی مورد توجه قرار می‌گیرد و اهمیت کیفیت جمعیت و توانمندی‌های آن نیز به مراتب افزایش پیدا کرده است. مسئله جمعیت یا همان منابع انسانی، اصلی‌ترین نقش را در تولید قدرت ملی ایفا می‌کند، تا آنجا که منابع مادی - منابع زیر زمینی و روزمینی - و نیز توان تکنولوژیک، قدرت نظامی و حتی خود سرزمین در کنار عامل جمعیت معنا پیدا می‌کنند. در مقابل گروه جوانان، جمعیت سالمند، کشورها را به سمت رکود، سکون و رخوت سوق می‌دهد. در ایران و در سال‌های اخیر به علل مختلف، سیاست کلی کشور به سمت کاهش جمعیت متمایل بوده و در این زمینه نیز تا حد قابل توجهی پیش رفته است، این در حالی است که روند کاهش جمعیت جوان در سال‌های پیش رو، می‌تواند کشور را از جهات مختلف در معرض خطرات جدی و جبران‌ناپذیری قرار دهد. این موضوع تا آن اندازه جدی است که رهبر انقلاب در سال‌های اخیر بارها این مسئله را با جدیت به مسئولین و مردم گوشزد نموده و خطرات تحدید نسل و همچنین راهکارهای افزایش جمعیت را به مناسبت‌های گوناگون بیان کرده‌اند.

#### ۴. کثرت جمعیت از دیدگاه رهبری

مقام معظم رهبری از سال ۱۳۸۸ تاکنون همواره دیدگاه‌های جمعیتی و لزوم تغییر سیاست‌های مربوط به آن را به مسئولین گوشزد کرده‌اند. ایشان با مشاهده برخی کم‌کاری‌ها و بی‌توجهی‌های مسئولین دولتی به این مسئله مهم و لزوم بازنگری در سیاست‌های تهدید نسل، روی سخنشان را در جلسات عمومی به سوی جامعه تغییر داده‌اند و در بیانات مختلف به طور مداوم به موضوعات مرتبط با افزایش جمعیت اشاره کرده‌اند. از زمانی که مسئله لزوم تکثیر جمعیت به‌طور جدی مطرح شد، ولی فقیه در مناسبت‌های مختلفی که با اقشار جامعه دیدار داشتند، بر این موضوع تأکید نمودند. ایشان در مرداد ماه سال ۱۳۹۰ طی سخنانی رسمی و علنی به موضوع جمعیت و لزوم مقابله با سیاست‌های تحدید نسل اشاره و تأکید کردند که «هر اقدام و تدبیری که می‌خواهد برای متوقف کردن رشد جمعیت انجام بگیرد، بعد از صد و پنجاه میلیون انجام بگیرد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۰۵/۱۶). ایشان همچنین در مرداد سال ۹۱ نیز بار دیگر در مورد خطرات

کاهش رشد جمعیت کشور هشدار دادند و حتی از عبارت «خطا کردیم»، در مورد این موضوع استفاده کردند. به عبارتی خطر کاهش جمعیت برای نخستین بار توسط آیت‌الله خامنه‌ای مورد اشاره قرار گرفته و وارد گفتمان عمومی کشور شده است. رهبر انقلاب در دیدار با اعضای همایش «تغییرات جمعیتی» فرمودند: «بنده همچنان معتقدم کشور ما کشور هفتاد و پنج میلیونی نیست. کشور ما، کشور صد و پنجاه میلیونی (است). حالا ما دست کم را گرفتیم گفتیم صد و پنجاه میلیون، بیشتر هم می‌شود (گفت)» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۸/۶).

آیت‌الله خامنه‌ای در اردیبهشت سال ۹۳ با توجه به اهمیت مقوله جمعیت در اقتدار ملی و جوانی جمعیت کنونی، سیاست‌های کلی آن را ابلاغ فرمودند. این سیاست‌ها براساس بند یک اصل ۱۱۰ قانون اساسی و پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام تعیین شده است. ایشان با در نظر داشتن نقش مهم جمعیت در پیشرفت کشور تأکید کردند، برنامه‌ریزی‌های جامع برای رشد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور متناسب با سیاست‌های جمعیتی انجام شود. ایشان با تأکیدی بیشتر این مسئله را مطرح نموده و فرمودند: «کشور بدون جمعیت جوان یعنی کشور بدون ابتکار و پیشرفت و شور و شوق، مسئله تکثیر نسل و جلوگیری از کاهش جمعیت جوان کشور، یک مسئله حیاتی است و باید به‌طور جد دنبال شود» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۳/۲/۱۵). ایشان در دیداری دیگر با بیانی مؤکد، اهمیت و جایگاه این موضوع مهم را به این شرح مطرح نمودند: «دو مسأله اساسی هست، یکی مسأله جمعیت که نگذاریم جمعیت کاهش پیدا کند، مولید را افزایش بدهیم، اینکه بنده نسبت به مولید و مسأله فرزندآوری و مانند اینها این همه اصرار می‌کنم، معنایش این است؛ یعنی اگر چنانچه به این مسأله بی‌توجهی شود ... و همه به فکر فرزندآوری نیفتند و این حرکت عظیمی که در کشور لازم است، انجام بگیرد، انجام نگیرد، بیست سال آینده که مثل برق خواهد آمد، وارد یک مسیری خواهیم شد که دیگر کار برایمان بسیار مشکل خواهد شد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۸/۸/۲۸).

رهبر انقلاب در جمع مداحان کشور نیز در این خصوص هشدار دادند و آنان را بر ترویج و تبلیغ تکثیر نسل تشویق فرمودند: «امروزه یکی از مشکلات جامعه ما مسئله جوان‌ها، مسئله ازدواج جوان‌هاست. باید فرهنگ‌سازی شود، وقتی با تبلیغات چندجانبه و همه‌جانبه روی فرزندآوری کمتر تبلیغ می‌شود، می‌رسیم به وضعیت فعلی که آدم‌های وارد، هشدار می‌دهند نسبت به بیست سال دیگر، سی سال دیگر، از لحاظ پیر شدن کشور ... اگر این جامعه محروم بماند از یک جمعیت قابل جوان، دشمن بر این جامعه مسلط خواهد شد، خب این فرهنگ‌سازی لازم دارد ...» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۸/۱۱/۲۶). آیت‌الله خامنه‌ای در پیامی که به مناسبت هفته جمعیت صادر کردند، همچنان توصیه و تأکیداتی داشتند که از متن فرمایش ایشان واضح است

که نه تنها کمترین عقب‌نشینی نسبت به اولین کلام ایشان در ده سال قبل دیده نشده، بلکه بر اصرار ایشان بر این موضوع نیز افزوده شده و برای بیان آن از تعابیر مختلفی استفاده نموده‌اند: «... بار دیگر تأکید می‌کنم که تلاش برای افزایش نسل و جوان شدن نیروی انسانی کشور و حمایت از خانواده، یکی از ضروری‌ترین فرائض مسئولان و آحاد مردم است. این فریضه درباره افراد و مراکز اثرگذار و فرهنگ‌ساز تأکید بیشتر می‌یابد. این یک سیاست حیاتی برای آینده بلند مدت کشور عزیز ما است...» (مقام معظم رهبری، ۱۴۰۱/۲/۲۸).

تعابیر به کار رفته در بیانات رهبر انقلاب از قبیل «حیاتی بودن مسئله تکثیر نسل»، «فریضه بودن»، «ضروری‌ترین فرائض» و «حسنه ماندگار» قابل تأمل است. از آنجایی که ولی فقیه فردی حکیم است، فرمایشات ایشان نیز بار معنایی خاصی دارد، بنابراین، اشاره به اینکه «این مسئله یکی از مسائل حیاتی کشور است» به این معنا است که لحظه‌ای درنگ و کوتاهی در این امر، خسارات جبران‌ناپذیری به دنبال خواهد داشت و باید در اولویت قرار گیرد. آیت‌الله خامنه‌ای تکثیر نسل را یک «فریضه» و یکی از ضروری‌ترین آن‌ها دانسته‌اند. فریضه در اصطلاح به معنای واجب است و در میان واجبات، برخی باید بدون درنگ انجام شود که در اصطلاح به آن «واجب فوری» گفته می‌شود، مانند جواب سلام. برخی دیگر را با تأخیر می‌توان انجام داد، که در اصطلاح به آن «واجب تراخی» اطلاق می‌شود. در مورد افزایش جمعیت، تعبیر مقام معظم رهبری «واجب فوری» است که با کلمه ضروری‌ترین فرائض از آن تعبیر نموده؛ یعنی باید در سریع‌ترین زمان ممکن این مسئله دنبال و به آن پرداخته شود تا آثار آن زودتر در جامعه مشاهده گردد.

ایشان همچنین این کار را یک «حسنه ماندگار» می‌دانند. همانطور که واضح است در شرع مقدس، کلمه حسنه به فعلی که استحباب شرعی آن ثابت و دارای ثواب اخروی باشد، گفته می‌شود، بنابراین، ایشان مسئله تکثیر نسل را از سنت‌ها و کارهای نیک که باقیات‌الصالحات است، می‌دانند و معتقدند برای اشخاصی که آن را پیگیری می‌کنند (مسئولان و آحاد مردم) حسنه ماندگار و دارای ثواب اخروی خواهد بود. توجه به سیاست‌های کلی جمعیت که اخیراً توسط آیت‌الله خامنه‌ای ابلاغ شد، باید به‌عنوان یک هشدار جدی نگریسته شود و ارشادهای ایشان مبنی بر تحکیم بنیان و پایداری خانواده، تکمیل آموزش‌های عمومی درباره اصالت کانون خانواده و فرزندپروری، رفع موانع ازدواج، تسهیل و ترویج تشکیل خانواده و افزایش فرزند، توانمندسازی جمعیت در سن کار، با فرهنگ‌سازی و اصلاح، حمایت لازم از اشتغال، مدیریت مهاجرت به داخل و خارج، هماهنگی با سیاست‌های کلی نظام و جمعیت، حفظ و جذب جمعیت در روستاها و مناطق کم‌تراکم با ایجاد جذابیت‌ها، تأمین سلامت و تغذیه سالم و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و... به‌طور جدی پیگیری شود.

## ۵. ادله دینی اندیشه مقام معظم رهبری در کثرت جمعیت

اندیشه آیت الله خامنه‌ای در مقوله کثرت جمعیت برگرفته از منابع دینی است که در این بخش در دو دسته ادله نقلی و عقلی پرداخته می‌شود.

### ۵-۱. ادله نقلی

ادله نقلی متشکل از برخی آیات و روایات است که به تفصیل هر کدام بیان می‌شود:

#### ۵-۱-۱. آیات

آیاتی که به مسئله کثرت جمعیت پرداخته‌اند را می‌توان در موارد زیر بیان نمود:

(۱) آیاتی که حکمت و فلسفه ازدواج را حفظ نسل و بقای نوع بشری می‌داند: «وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَيْنَ وَحَفْدَةً وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ ...» (نحل: ۷۲)، «و خدا برای شما از خودتان همسرانی قرار داد و از همسرانتان برای شما پسران و نوادگانی نهاد و از چیزهای پاکیزه به شما روزی بخشید».

راغب در مفردات می‌گوید: «حفدة» در آیه شریفه جمع حافد است که به معنای متحرک و کسی است که در خدمت، جنب و جوش سریع دارد، خواه از اقارب انسان باشد و یا بیگانه، ولی مفسرین آن را به اسباط (نوه‌ها) و مانند آن تفسیر کرده‌اند؛ زیرا خدمت اسباط صادقانه‌تر است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ص ۲۴۳) و معنای آیه این است که خداوند برای شما از همسرانتان، فرزندان و یاورانی قرار داد که به خدمت آنان در حوائجتان استعانت کنید و با دست آنان مکاره و ناملایمات را از خود دور سازید و ارزاق طیب، که عبارت است از هر متاع دل‌پسندی که روزیتان کرد. این آیه در ادامه مشرکین را توبیخ نموده و می‌فرماید: «آیا به باطل ایمان می‌آورند و به نعمت خدا کفر می‌ورزند و مقصود از نعمت همان است که همسرانی از جنس خود بشر برای ایشان درست کرد و فرزندان و نوه‌هایی از همسران پدید آورد چون این از بزرگ‌ترین و آشکارترین نعمت‌هاست؛ زیرا اساس تکوین است که ساختمان مجتمع بشری بر آن بنا می‌شود و اگر آن نبود، مجتمعی شکل نمی‌یافت و این تعاون و همکاری که میان افراد هست، پدید نمی‌آمد و تشریک در عمل و سعی میسر نمی‌شد و در نتیجه بشر به سعادت دنیا و آخرت خود نمی‌رسید» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۱۲، ص ۲۹۷).

(۲) آیاتی که کثرت فرزند را نعمت الهی و جزو امداد خداوند به پدر و مادر معرفی می‌کند: «وَيُمِدُّكُمْ بِأَمْوَالٍ وَيَبِينَ»، «و شما را به اموال و پسران یاری کند» (نوح: ۱۲؛ اسراء: ۶؛ شعراء: ۱۳۳).

در این دسته از آیات، مراد از نعمت، زیاد کردن مال و فرزند است (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۱۰، ص ۵۴۳).

اگر تکثیر اولاد مطلوب خداوند نبود، چنین نتیجه‌ای را خداوند از قول حضرت نوح برای استغفار نمودن بیان نمی‌فرمود و آن را جزء بازوان پدر و مادر قلمداد نمی‌کرد. در اینجا، اشاره لطیفی به این مسئله شده که آنچه باعث امداد خداوند به والدین شمرده شده، فراوانی اولاد است، و نه صرف داشتن فرزند و این مطلب از «بنین» در آیه فوق به‌دست می‌آید، زیرا این کلمه جمع ابن به معنای پسر است.

(۳) آیاتی که مال و فرزند را زینت حیات دنیوی می‌شمارد: «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» (کهف: ۴۶)، «مال و پسران زیور زندگی دنیایند».

مرد و زن هرکدام با توجه به توانایی که دارند، به شکلی مکمل یکدیگر هستند و بر همین اساس و با توجه به کشش درونی نهادیده شده در آن‌ها، با یکدیگر ارتباط مشروع پیدا می‌کنند، تا نوع بشر باقی بماند و این در حالی است که انسان‌ها گمان می‌کنند که هدف از این رابطه، تنها رسیدن به برخی لذت‌های طبیعی در وجود آن‌هاست و از این هدف مهم، یعنی تکثیر نسل غافل می‌شوند. اگر خداوند غذا و شهوت و لذت‌های دیگر را در وجود انسان قرار داده، نه به جهت هدف بودن این امور است که اگر کسی چنین چیزی را خیال می‌کرد، هیچ‌گاه به جهت آنها خودش را به زحمت و مشقت نمی‌انداخت، بلکه هدف، تکثیر افراد بشر است و موارد دیگر در حاشیه این غرض اصلی قرار دارد تا کشتی برای رسیدن به آن هدف بزرگ باشد (موسوی همدانی، ۱۳۷۴: ج ۳، ص ۱۲۴).

(۴) آیاتی که کثرت فرزند را باعث قدرت و اقتدار می‌داند: «وَقَالُوا نَحْنُ أَكْثَرُ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا وَمَا نَحْنُ بِمُعَدِّيْنَ» (سبأ: ۳۵)، «و گفتند ما دارایی و فرزندانمان از همه بیشتر است و ما عذاب نخواهیم شد». براساس این آیات اگر افزایش فرزندان باعث قدرت می‌شود، هیچ‌گاه به فزونی آن‌ها مباحثات نمی‌شد.

(۵) آیاتی که قتل نفس را حرام دانسته و کشتن یک نفر را به منزله کشتن تمامی انسان‌ها معرفی می‌کند: «مَنْ أَجَلَ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا» (مائده: ۳۲)، «از این روی بر فرزندان اسرائیل مقرر داشتیم که هر کس کسی را جز به قصاص قتل یا [به کیفر] فساد در زمین بکشد، چنان است که گویی همه مردم را کشته باشد و هر کس کسی را زنده بدارد، چنان است که گویی تمام مردم را زنده داشته است».

(۶) آیاتی که بر طلب ذریه از سوی انبیاء دلالت دارد، مانند درخواستی که حضرت ابراهیم از خداوند طلب می‌کند: «رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ» (صافات: ۱۰۰)، «ای پروردگار من مرا [فرزندی] از شایستگان بخش».

این دعا از جانب حضرت ابراهیم برای طلب فرزند وارد شده است (سبزواری نجفی، ۱۴۱۹ق: ص ۴۵۴)

و نظیر این دعا را حضرت زکریا نیز به خداوند عرضه می‌دارد (آل عمران: ۳۸). آیات فوق حکمت و فلسفه ازدواج را حفظ نسل و بقای نوع بشر می‌داند و فرزند را زینت حیات دنیوی برمی‌شمارد و فزونی آن را نعمتی الهی و جزء امداد الهی به پدر و مادر معرفی نموده و باعث قدرت و اقتدار معرفی می‌کند. در مقابل، قتل نفس را حرام دانسته و کشتن یک نفر را به منزله کشتن تمامی انسان‌ها معرفی می‌کند و در نهایت به طلب ذریه از سوی خداوند اشاره دارد. اشاره به این آیات بیانگر اهمیت کثرت جمعیت و نگاه قرآنی رهبر انقلاب بر این موضوع است.

#### ۵-۱-۲. روایات

افزون بر آیات شریفه، نصوصی از معصومین (ع) رسیده که در آن‌ها به ازدواج یا فرزندآوری ترغیب شده است که به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

- روایاتی که تأکید بر ازدواج با زنان زایا کرده و از ازدواج با زنان نازا نهی نموده است: مانند روایتی که امام باقر (ع) از پیامبر (ص) نقل نموده که آن حضرت فرمودند: «به ازدواج درآورید خانم‌های دوشیزه و زایا یا کم‌زا را و برای ازدواج به دنبال خانم‌هایی که ظاهر زیبایی دارند، ولی نازا یا کم‌زا هستند، نروید، چون من در روز قیامت به اتمم مباحات و افتخار می‌کنم (که زیاد باشند)» (کلینی، ۱۴۱۷ق: ج ۵، ص ۳۳۳).

- روایاتی که زایا بودن را فضیلت می‌دانند و زنان نازا را مذمت می‌کنند: شخصی نزد رسول خدا (ص) آمد و عرض کرد: ای فرستاده خدا من دختر عمویی دارم که جمال و دین‌داری خوبی دارد، ولی نازا است. آن حضرت فرمود: با او ازدواج نکن، چون حضرت یوسف زمانی که برادرش (بنیامین) را بعد از غیبت طولانی ملاقات نمود، از او پرسید چگونه توانستی بعد از من ازدواج کنی؟ ایشان عرض کردند پدرم (یعقوب نبی) امر فرمود اگر می‌توانی نسل خود را افزایش دهی، تا بواسطه آن زمین به گفتن ذکر الهی سنگین شود، این کار را انجام بده (حرّعاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۲۰، ص ۵۳، ح ۱-۲).

- روایاتی که افراد بدون فرزند را هالک و بدون نتیجه معرفی می‌کنند: شیخ صدوق می‌فرماید: روایت شده است کسی که بدون فرزند بمیرد، مانند این است که اصلاً در میان مردم نبوده است و اگر کسی فرزندی داشته باشد و بمیرد، مانند آن است که اصلاً از دنیا نرفته باشد (همان: ج ۲۱، ص ۳۵۷، ح ۱۱).

- روایات در بردارنده دعا برای طلب فرزند: امام صادق (ع) فرمود: «زمانی که فرزنددار شدن شما طولانی شد، این دعا را بخوانید: «خداوند مرا تنها

رها مکن که تو بهترین وارث هستی» (همان: ص ۳۶۸، ح ۱).

- روایاتی که بر مطلوبیت افزایش اولاد دلالت دارد:

پیامبر خدا(ص) فرمود: «زیاد فرزنددار شوید که من روز قیامت به امتم افتخار می‌کنم که زیاد باشند» (همان: ص ۳۵۷، ح ۸).

همچنین فرمود: «ازدواج کنید که من (دوست دارم) روز قیامت امتم زیاد باشند» (همان: ص ۳۵۸، ح ۱۴).

- روایاتی که از فوائد فرزندان حکایت دارد:

امام باقر(ع) فرمود: «از خوشبختی مرد این است که فرزندی داشته باشد که در رفتار و گفتار و شمائل ظاهری مانند او باشد» (همان: ص ۳۵، ح ۶۱۵).

امام سجاد(ع) فرمود: «از نیکبختی مرد این است که فرزندی داشته باشد که کمک‌کار باشند» (همان: حدیث ۶).

امام صادق(ع) فرمود: «رضوان خداوند بر بنده مؤمنش فرزند صالحی است که برایش استغفار کند» (همان: ص ۳۵۹، ح ۷).

همچنین فرمود: «یکی از نیکبختی‌های مرد، ولد صالح است» (همان: ح ۲).

امام صادق(ع) فرمود: «بدرستی که شخص به جهت زیادی فرزندش، مورد رحمت خداوند قرار می‌گیرد» (حرّعاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۲۱، ص ۳۶۰، ح ۸).

رسول خدا(ص) فرمود: «حضرت عیسی بن مریم به قبری رسید و صاحب آن را در حال عذاب مشاهده نمود، سپس سال دیگر عبور نمود، در حالی که آن شخص عذاب نمی‌شد، از خداوند سؤال نمود که ای خدا چگونه است که سال گذشته این شخص عذاب می‌شد، ولی هم‌اکنون عذاب نمی‌شود؟ از جانب خداوند وحی رسید که این شخص دارای فرزندی صالح شده که راهی را برای مردم اصلاح نموده و یتیمی را پناه داده؛ لذا، من به همین جهت گناهان پدرش را آمرزیدم...» (همان: ص ۳۵۹، ح ۳). عیسی بن صبیح می‌گوید من در حبس بودم، حضرت عسکری(ع) وارد آنجا شد و من ایشان را می‌شناختم، به من فرمود: تو شصت و پنج سال و یک ماه و دو روز داری (و من کتاب دعایی به همراه داشتم که در آن تاریخ ولادتم را داشتم که به آن نگاه کردم، دیدم همان‌گونه که آن حضرت فرموده، بود است)، سپس آن حضرت فرمود: آیا فرزند داری؟ عرض کردم خیر، آن حضرت فرمود: خداوند فرزندی روزی ایشان بکن تا کمک‌کار او بشود (فرزند چه خوب کمک‌کار و پشتیبان است). سپس آن حضرت این بیت شعر را فرمودند: کسی که دارای فرزند و پشتیبان باشد،

آنچه با ستم از او بازگرفته‌اند، بازمی‌ستاند. ذلیل و ناتوان کسی است که پشتیبان نداشته باشد (حرّعاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۲۱، ص ۳۶۰، ح ۷).

- روایاتی که بر حرمت عزل دلالت دارند:

محمد بن مسلم از امام باقر(ع) یا صادق(ع) نقل می‌کند که از ایشان در مورد عزل (جلوگیری از انعقاد نطفه) سؤال شد، آن حضرت فرمود: اگر زن کنیز باشد، اشکال ندارد، ولی اگر آزاد باشد، من دوست ندارم این کار را، مگر اینکه هنگام عقد ازدواج شرط شود که در این صورت جایز است (همان: ج ۲۰، ص ۱۵۱، ح ۱). در روایت دیگری از امام کاظم(ع) نقل می‌کند که آن حضرت فرمود: در شش صورت عزل جایز است، یکی از آن موارد زنی است که خودش یقین دارد به اینکه فرزنددار نمی‌شود» (همان: ص ۱۵۲، ح ۴). همان‌گونه که اشاره شد، معنای عزل، بازداشتن و کنار گذاشتن است و بر هیچ‌کس پوشیده نیست که حکمت اساسی و مهم برای منع از عزل نمودن، تکثیر نسل است که شارع مقدس به‌طور جدی و محکم از آن دفاع نموده و ابتدا منع از عزل نطفه در خارج از رحم همسر را داده و سپس در صورت انعقاد نطفه و تبدیل آن به جنین و مراحل قبل از جنین اگر سقطی صورت گیرد، هر شخصی که دخالت در سقط داشته باشد، ملزم به پرداخت دیه خواهد بود و در این زمینه هیچ عذری (از قبیل تنگی معیشت، کثرت اولاد، نپذیرفتن جنسیت، دشوار بودن تربیت، معلول بودن جنین و...) پذیرفته نیست.

- روایات دال بر استحباب طلب فرزند در حالت فقر و غنا و توانایی و ضعف:

بکر بن صالح می‌گوید به امام کاظم(ع) نامه نوشتم که من پنج سال است دوست دارم بچه‌دار شوم، ولی همسر من اکراه دارد و می‌گوید تربیت آن به جهت سختی معیشت برایم دشوار است، نظر شما چیست؟ آن حضرت در پاسخ نامه نوشتند: دنبال فرزنددار شدن باشید که خداوند روزی شما را خواهد رساند (همان: ج ۲۱، ص ۳۶۰، ح ۱). دستوراتی که در قرآن و روایات در قالب امر وارد شده است، یا دلالت بر «وجوب» دارد یا «استحباب»؛ و از آنجایی که اصل بر وجوب است، به جهت قواعدی که علما در اصول بنا نهاده‌اند که اوامر ظهور در وجوب است و استحباب نیاز به قرینه دارد، در این روایت و امثال آن که امام(ع) می‌فرماید: دنبال فرزنددار شدن باشید، این را اگر نگوییم که استحباب دارد، حداقل دلالت بر حُسن این عمل دارد؛ زیرا ممکن است امر را ارشادی ببینیم و در هر صورت روایت ظاهر است در تحریک و سوق دادن مؤمنین برای تکثیر نسل و از این‌رو افرادی که به هر دلیلی سالیان متمادی از نعمت فرزند محروم هستند، یا خود را به بهانه‌های واهی محروم نموده‌اند، و یا از فزونی اولاد واهمه دارند - که غالباً هم به جهت انگیزه‌های مادی است - سزاوار است این روایت و فرمایش امام کاظم(ع) را سرلوحه عملکرد خویش قرار دهند و بدانند که

خزینه‌های رحمت و واسعۀ الهی هیچ‌گاه پایان نمی‌پذیرد. روایات فوق ابتدا زایا بودن زنان را فضیلت دانسته و به ازدواج با آنان توصیه می‌کند. سپس بر مطلوبیت افزایش اولاد دلالت داشته و توصیه به دعا برای آن می‌نماید و طلب فرزند در حالت فقر و غنا و توانایی و ضعف را مستحب می‌داند. درنهایت از فواید فرزندان حکایت داشته و در مقابل، جلوگیری از انعقاد نطفه را نهی و افراد بدون فرزند را هالک معرفی می‌کند. بنابراین، این روایات نیز به نوعی منبع اندیشۀ رهبر انقلاب در مسئله کثرت جمعیت است.

### ۵-۲. ادله عقلی

عقل نیز به‌عنوان یکی از منابع دینی است که در اینجا به دو دلیل عقلی کثرت جمعیت اشاره می‌شود:

(۱) **اصل اباحه:** این مورد در صورتی است که در استحباب و مطلوب بودن تکثیر نسل شک کنیم، و آن زمانی است که در مقابل این ادله شرعی از آیات و روایات که بیان شد، دسته‌دیگر روایات را مد نظر قرار دهیم که حکایت از محدود کردن جمعیت دارد، در این صورت اگر رجحانی میان این دو دسته از ادله پیدا نکنیم، برای مکلف ابهام به‌وجود می‌آید که حکم افزایش جمعیت با کدام یک از نصوص موافق است که در نتیجه باید به اصل اباحه تمسک کرد؛ زیرا مجرای این اصل در فرض نبود اجمال دلیل است که شامل محل بحث می‌شود. بنابراین، حکم بر اباحه اقتضاء می‌کند که افزایش نسل، جایز و بدون اشکال است و باید روایات مخالف آن را توجیه نمود.

(۲) **قاعده لاضرر:** قاعده مهم و بسیار کاربردی لاضرر در فقه شیعه دلالت بر نفی هرگونه حکم حرجی در حیطة شریعت دارد و در محل بحث در صورتی که روش‌های پیشگیری از تولید نسل برای زن و مرد ضرر قابل توجهی به‌دنبال داشته باشد، این اصل جاری می‌شود و عقیم‌سازی را منع می‌کند؛ زیرا هیچ‌گونه ضرر و زیانی نباید در حیطة اسلام برای هیچ شخصی وجود داشته باشد، بنابراین، استفاده از ابزار پیشگیری در اسلام که به‌دنبال افزایش جمعیت است، جایز نیست.

### ۶. تأثیر کثرت جمعیت بر اقتدار ملی

از مناسبات میان قدرت و اقتدار ملی و توسعه اقتصادی، کثرت جمعیت و قابلیت‌ها و توانمندی‌های مرتبط با آن است که در اصل به‌مثابه یک ثروت کلان ملی به‌شمار می‌رود و نباید از آن غافل شد؛ زیرا حجم کمی و کیفی جمعیت که در مباحث استراتژیک به‌عنوان منابع انسانی از آن یاد می‌شود، اصلی‌ترین نقش را در تولید اقتدار ملی و توسعه و بالندگی و تعالی کشور دارد. آیه‌ای که آیت‌الله خامنه‌ای به‌ویژه از آن در توصیه به کثرت جمعیت استفاده نموده‌اند، آیه ۶۰ سوره انفال است که می‌فرماید «و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه

و ...» (انفال: ۶۰)، «هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آن‌ها (دشمنان) آماده سازید». توسعه معنایی (قوه) به «کثرت جمعیت» از چند طریق ممکن است:

### ۶-۱. توسعه معنایی قوه در ابعاد مختلف

هرچند اقتدار نظامی، معنای نخست و صریح این آیه به‌عنوان قوه است، لکن در نوعی تفسیر، این معنا به سایر ابعاد نیز توسعه می‌یابد و رهبر انقلاب با این نگاه، در ذیل این آیه شریفه می‌فرماید: «این قدرت در نگاه اول ممکن است قدرت نظامی به‌نظر برسد، لکن ظاهراً خیلی وسیع‌تر از دامنه قدرت نظامی است، ابعاد قدرت، ابعاد وسیعی است. ابعاد اقتصادی، قوت اقتصادی، قوت علمی، قوت فرهنگی، قوت سیاسی که زمینه‌ساز قوت سیاسی، استقلال سیاسی است و قوت تبلیغی ... امروز حفظ جمعیت جوان کشور یکی از ابزارهای قوت است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۹/۱/۳). همان‌گونه که روشن است آیت‌الله خامنه‌ای به نکته لطیف و تأکید این آیه بر موضوع تکثیر نسل اشاره کرده‌اند.

### ۶-۲. تفسیر قوه به قوای انسانی و توسعه آن

گونه دیگری از استنباط با تفسیر قوه به قوای انسانی و توسعه آن صورت می‌گیرد. این سخن در برخی از تفاسیر نیز مورد توجه واقع شده است، مانند آنچه سید عبدالحسین طیب در ذیل آیه شریفه پیشین بیان می‌دارد، به این معناکه این آیه گرچه در موضوع جهاد با مشرکین در عهد رسول‌الله (ص) وارد شده، ولی قطعاً شامل می‌شود جمیع مراتب تقویت را در جمیع طبقات مسلمین که باید آنچه قوه و قدرت دارند، در حفظ دین و دفع دشمنان دین کوشش کنند، در امر به معروف و نهی از منکر و ارشاد جاهل و هدایت ضال و دفع شبهات معاندین و اعتلاء کلمه اسلام و از بین بردن معاندین و جلوگیری از فساد و نشر احکام، چه با زبان باشد یا با قلم یا با ثبات قدم یا با مال یا با اعمال قوی، هر قدر که ممکن است (طیب، ۱۳۷۸: ج ۶، ص ۱۵۱). در این تفسیر، عمومیت کلام ایشان شامل تمام قوا و قدرت انسان بوده و کثرت نیروی انسانی و خصوصاً جوان را نیز شامل می‌شود.

### ۶-۳. تفسیر قوه به سلاح و توسعه معنایی آن

تفسیر دیگری که ما را به مقصود می‌رساند، تفسیر قوه به سلاح و توسعه معنایی آن است. طبرسی با توجه به دلالت قطعی قوه بر سلاح، قوت را به هر نوع نیرو و قدرتی که موجب پیروزی در جنگ است، می‌داند (طبرسی، ۱۳۷۷: ج ۲، ص ۲۹) که این معنا با تکثیر نیروی جوان میسر می‌شود. علی بن ابراهیم قمی در تفسیر خود در ذیل آیه مورد بحث روایتی ذکر می‌کند که فرمود: «منظور از کلمه «قوة» سلاح می‌باشد (بدیهی

است که کلمه سلاح شامل هر نوع وسائل دفاعی و جنگی می‌گردد». صدوق در کتاب فقیه روایتی ذکر می‌کند که فرمود: «از جمله معانی کلمه «قوة»، خضاب مشگی است (که پیرمردان محاسن سفید خود را بوسیله آن مشگی می‌نمایند، تا در مقابل دشمن دارای هیبت و قیافه جوانی باشند، و این خود يك نوع سلاح و تقویتی خواهد بود)» (نجفی خمینی، ۱۳۹۸ق: ج ۶، ص ۱۵۱-۱۵۲). نظیر این مطلب، در تفاسیر دیگر مانند زبده التفاسیر (کاشانی، ۱۴۲۳ق: ج ۳، ص ۵۸)، تفسیر اثنی عشر (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ج ۴، ص ۳۶۷) و مجمع البیان (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۴، ص ۸۵۲) نیز آمده است.

#### ۶-۴. تفسیر قوه به عامل ایجاد ترس در دشمن به‌منابه نتیجه

نوع دیگری از تفسیر در جهت استنباط حکم، تفسیر به نتیجه فعل مورد اشاره است. مراد از قوه، هر چیزی است که نشان‌دهنده بزرگی نیروی خودی و در نتیجه ایجاد ترس در سپاه دشمن گردد. فرمان الهی به تقویت قوا بر همین اساس است که یکی از لوازم طبیعی آمادگی در مقابل دشمن، کثرت نیروی انسانی است که تسامح در این زمینه، جرأت دشمن را نسبت به جبهه اسلام بیشتر می‌کند. از این رو که باید همیشه رعب و وحشتی از جانب مسلمانان در دل‌های معاندین و دشمنان وجود داشته باشد، دستور خداوند متعال بر تقویت قوا صادر شده است و دلیل این مطلب که ترس و وحشت جبهه کفر باید همیشگی باشد، در ادامه آیه شریفه بیان شده است که فرموده: «تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ»، یعنی بدان وسیله دشمن خدا و دشمن خودتان را بترسانید. از آن جایی که فعل به‌کار رفته در این آیه به‌صورت مضارع آمده و مضارع دلالت بر استمرار دارد، بنابراین، همیشه لازم است که دشمن اسلام از ناحیه حزب الهی در ترس و وحشت باشد و این معنا، قهراً بدون کثرت قوای انسانی به‌دست نخواهد آمد.

در مجموع، نیروی انسانی از چند حیث در تقویت اقتدار نظام اسلامی اثرگذار است:

(۱) **حیث موضوعی:** اگر ما عوامل اقتدار نظام اسلامی را در ابعاد مختلفی بدانیم، یکی از مهم‌ترین این ابعاد، بُعد تقویت نیروی انسانی کشور است که در ایجاد اقتدار نظام تأثیرگذار است. در این بحث خود نیروی انسانی و منابع انسانی موضوعیت پیدا می‌کند.

(۲) **حیث ابزاری:** اقتدار نظام اسلامی، نیازمند ابزاری است که نماد آن، سلاح و تسلیحات است، اما سلاح صرفاً محدود به سلاح نظامی نمی‌شود؛ بلکه ابزار و سلاح، ابعاد مختلفی را نظیر سلاح نظامی، منابع مالی، قدرت تعامل و دیپلماسی و... را شامل می‌شود که یکی از مهم‌ترین این موارد، نیرو و توان انسانی است که در اینجا نگاه ابزاری به آن صورت گرفته و یکی از ابزارهای تقویت نیروی انسانی محسوب می‌شود.

(۳) **حیث غایی:** نتیجه اقتدار نظام اسلامی ایجاد رعب و وحشت در دل دشمن است و هر عاملی که بتواند

این هدف را ایجاد نماید، به عنوان عامل اقتدار محسوب می‌شود، از این رو با نگاهی غایی، نیروی انسانی نیز می‌تواند موجب ایجاد رعب و وحشت در دشمن شود و در نتیجه اقتدار ملی محسوب گردد.

همه این مطالب و شواهد، گویای همان نکته اساسی است که رهبر انقلاب فرمودند که قوی شدن به نیروی جوان کشور است و زمینه این تقویت، تکثیر نسل بشری است و تا قوا از جهت تعداد زیاد نباشد، قوت نیز شکل نمی‌گیرد. همچنین اگر کشوری جمعیت بالا و با کیفیت نداشته باشد، نمی‌تواند به قدرت درجه یک تبدیل شود یا این مقام را حفظ کند، از این رو بدون چنین پتانسیل و نیروی انسانی کارآمد، تداوم فعالیت‌های علمی و تولیدات صنعتی و کشاورزی لازم برای اداره موفقیت‌آمیز جامعه غیرممکن است. کاهش زاد و ولد نه تنها یک کشور را به سمت جمعیت پیر سوق می‌دهد، بلکه علاوه بر آن به دلیل کاستن جمعیت ماهر، فعال، پویا و با نشاط، به تضعیف بیش از پیش ساختارهای اقتصادی و در نتیجه عقب‌افتادگی کشور از قافله توسعه منجر می‌شود. این نوع جمعیت، و کیفیت و کمیت آن نقش مؤثری در ترسیم قدرت سیاسی، نظامی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی کشورها دارد.

## ۷. نتیجه‌گیری

نظام اسلامی ما به عنوان مصداقی از حکومت اسلامی و در رأس آن ولی فقیه به عنوان نائب امام معصوم (ع) است که ولایت تامه بر مؤمنین دارد و از این رو، حکم او حکم امام معصوم و واجب‌الإطاعه است. آیت‌الله خامنه‌ای در بیاناتشان مسئله فرزندآوری و افزایش نسل در کشور را یکی از فرائض ضروری و حیاتی خوانده‌اند. اندیشه رهبر معظم انقلاب در خصوص کثرت نسل، مستند به تعداد زیادی از آیات و روایات و اصول دیگری است و این ادله در جای خود به وضوح بر این مسئله دلالت دارد. براساس این شواهد، هیچ شکی در موضوع فرزندآوری به عنوان یک ضرورت دیده نمی‌شود؛ زیرا هر لحظه درنگ در آن مساوی با خسارات فراوان اجتماعی خواهد بود. گرچه در مقابل آیات و روایات ذکر شده، برخی ادله ظهور بر کاهش آن دلالت دارد، ولی همه آن‌ها در مقام ارشاد بر این خواهد بود که شاید از حیث خارجی، اولاد موجب کاهش راحتی و رفاه گردد. گفتنی است در نگاه کلی که بنای اسلام بر دید اکثر افراد جامعه هست، مصلحت بر تکثیر نسل و فرزندان بسیار است و آن دسته روایات نه تنها اولویت بر ادله تکثیر نسل ندارند، بلکه تعارضی میان این دو دسته نیز دیده نمی‌شود. سرمایه اصلی و واقعی هر ملت و کشوری، نیروی انسانی آن کشور است که بدیل و جایگزینی ندارد. کاهش حجم و رشد جمعیت، کاهش باروری و قدرت تجدید نسل، افزایش میانه سنی و سالمندی جمعیت، کاهش جمعیت در سن کار، افزایش آسیب‌های حوزه خانواده همچون افزایش سن

ازدواج، و تمایل کمتر به تشکیل خانواده، افزایش ناسازگاری‌های زوجین، افزایش طلاق، کاهش نرخ شیوع ازدواج، افزایش نرخ تجرد قطعی، تمایل کمتر برای داشتن فرزند، کاهش نقش حمایتی خانواده از سالمندان، چالش‌های سیاسی، دفاعی و امنیتی و کاهش توان نظامی و قدرت بازدارندگی کشور و در نهایت چالش‌های اقتصادی از جمله مهم‌ترین چالش‌های آسیب‌زا و هزینه‌ساز است. بدیهی است ملتی که جمعیت بیشتر، قلمرو بزرگ‌تر، دولت توانمندتر با حاکمیت ملی منسجم‌تر داشته باشد، از این منظر قدرتمندتر است. برای تحقق افزایش جمعیت ابتدا لازم است در زمینه فرهنگی آمادگی ایجاد شود که این موضوع خود نیز یکی از دستورات خداوند است که فرمود خود را از جهات متعدد از جمله جهت فرهنگی آماده کنید؛ زیرا تعبیر به کار رفته در آیه مذکور از حیث عموم، گستردگی خاصی دارد و همه سویه‌های مهیا بودن را در برمی‌گیرد و با تجهیز فرهنگی، حرکت در عرصه افزایش قوا و نیروی انسانی آسان‌تر محقق می‌شود.

## منابع

### قرآن کریم

حرّعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). *تفصیل وسایل الشیعه الی تحصیل مسایل الشریعه*. قم: انتشارات موسسه آل البیت، ج ۲۰-۲۱.

حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد (۱۳۶۳). *تفسیر اثنی عشر*. تهران: انتشارات میقات، ج ۴.

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۳/۲/۱۵). *بیانات در دیدار مسئولان جمعیت مامایی کشور*. قابل دسترس در:

<https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=26319>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۰/۰۵/۱۶). *بیانات در دیدار مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران*. قابل دسترس در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=16889>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۸/۱۱/۲۶). *بیانات در دیدار با مداحان اهل بیت (ع)*. قابل دسترس در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=44919>

خامنه‌ای، سید علی (۱۴۰۱/۲/۲۸). *پیام به فعالان حوزه جمعیت*. قابل دسترس در:

<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=50261>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۸/۸/۲۸). *بیانات در دیدار با جمعی از تولیدکنندگان، کارآفرینان و فعالان اقتصادی*. قابل دسترس در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=44105>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۹/۱/۳). *سخنرانی نوروزی خطاب به ملت ایران*. قابل دسترس در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=45227>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۲/۸/۶). *بیانات در دیدار اعضای همایش ملی «تغییرات جمعیتی و نقش آن در تحولات مختلف جامعه»*. قابل دسترس در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=24344>

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). *المفردات فی غریب القرآن*. تحقیق: صفوان عدنان داودی. دمشق: انتشارات دارالعلم.

سبزواری نجفی، محمدبن حبیب‌الله (۱۴۱۹ق). *ارشاد الازهان الی تفسیر القرآن*. بیروت: انتشارات دارالتعارف للمطبوعات.

طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ پنجم، ج ۱۲.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم، ج ۱، ۴.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۷). *جوامع الجامع*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ج ۲.

طیب، سید عبدالحسین (۱۳۷۸). *تفسیر اظیب البیان*. تهران: انتشارات اسلام، چاپ دوم، ج ۶.

کاشانی، ملافتح‌الله (۱۴۲۳ق). *زبده التفسیر*. تحقیق بنیاد معارف اسلامی. قم: انتشارات بنیاد معارف اسلامی، ج ۳.

کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*. تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ج ۵.

موسوی همدانی، سید محمدباقر (۱۳۷۴). *ترجمه تفسیر المیزان*. قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ پنجم، ج ۳.

نجفی خمینی، محمدجواد (۱۳۹۸ق). *تفسیر آسان*. تهران: انتشارات اسلامیه، ج ۶.